مستدرکی بر نهج‌البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج‌البلاغه ـ محمّد جعفر اسلامی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شمارهٔ ۳۷ «ویژهٔ حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۸ ـ ۱۵۷

مستدرکی بر نهج‌البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج‌البلاغه

محمّد جعفر اسلامی*

چکیده: از آنجا که نهج البلاغه دربردارندهٔ بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، عالمان، محدّثان و ادباء بسیاری پس از تألیف این کتاب، شروع به نوشتن شرح، حاشیه و استدراک بر این کتاب گران‌سنگ کردند. از جملهٔ این مستدرکها می‌توان به مستدرک احمدبن ناقه (م ۵۵۹ ق) اشاره کرد که داشتن خطبه‌هایی مانند: الدرةالیتیمة، الأقالیم، البیان، از ویژگیهای این مستدرک است. یادآوری می‌شود که این خطبه‌ها در هیچ یک از مصادر روایی موجود به طبع نرسیده است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه / مستدرک نهج البلاغه / احمدبن ناقه.

---

*. دانش‌پژوه سطح ۳ حوزهٔ علمیه خراسان. ***Email: Mjislami9@gmail.com***

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

مقدّمه

از آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام فصیح‌ترین خطیبان است و به گفتهٔ ابن‌عباس: «کلام علی پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (ابوالبرکات شافعی، ج ۱، ص ۲۹۸)، در طول تاریخ ،عالمان، محدثان و ادیبان بسیاری به جمع کلمات و خطبه‌های ایشان اقدام کرده‌اند. نخستین کسانی که به این کار دست زدند، اصحاب خود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات ایشان بوده‌اند؛ مانند حارث اعور همدانی (کلینی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ طوسی، ص ۱۸۱)، زیدبن وهب جهنی (طوسی، ص ۱۳۰؛ معالم العلماء، ص ۸۶؛ تفرشی، ج ۲، ص ۲۹۱)، اصبغ بن نباته و مالک اشتر نخعی و ... .

جمع‌آوری کلمات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از شهادت ایشان نیز ادامه پیدا کرد و بسیاری از محدّثان عامه و خاصه به این امر اهتمام ورزیدند. از محدثان شیعه می‌توان به ابوالمنذر هشام بن محمّد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ ق) (نجاشی ص ۴۳۴؛ سیّد عبدالعزیز طباطبائی، مجله تراثنا، شماره پنجم، ص ۲۲۶) مسعدة بن صدقة (همو، ص ۴۱۵)، سیّد ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی (نجاشی، ص ۲۴۸؛ علامه حلی، ص ۲۲۶)، اسماعیل بن مهران (نجاشی، ص ۲۷) و صالح‌بن ابی‌حماد (همو، ص ۱۹۸) اشاره نمود، و از محدثین عامه می‌توان به محمّدبن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق) (آقابزرگ طهرانی، ج ۷، ص ۱۹۱)، علی‌بن محمّد مدائنی (م ۲۲۵ ق) (ابن‌ندیم، فهرست، ص ۱۱۴) اشاره کرد. همچنین عالمان، محدثان و ادباء بسیار دیگری به این امر اقدام نموده‌اند که متأسفانه بیشتر این کتابها در پی آتش‌سوزی کتاب‌خانه‌ها، جنگها و تعصّبهای مذهبی از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

تا اینکه در پایان قرن چهارم، عالم و ادیب فرزانه، سیّد شریف رضی، ظهور کرد و احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام به انتخاب خود تألیف نمود و آن را نهج‌البلاغه نامید. از این جهت که نهج‌البلاغه دربردارندهٔ خطبه‌هایی در غایت فصاحت و بلاغت است، نقطهٔ عطفی برای نوشتن شرح و تفسیر کلام امیرالمؤمنین و نوشتن ملحقات، تذییلات و مستدرکات بر این کتاب شد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان بن داوود الاسفراینی (م ۴۸۸ ق) بر نهج البلاغه تذییلی به‌نام «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام علی بن ابی طالب علیه‌السلام» نوشت که در آن بعضی از کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام را که در نهج‌البلاغه نیامده، گردآورد. (حاجی خلیفة، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ آقابزرگ، ج ۱۶، ص ۳۹؛ سیّد محسن امین، ج ۸، ص ۱۳۳) خلف بن عبدالمطلب بن محمّد، ملقّب به مهدی بن فلاح المشعشعی الحویزی نیز مستدرکی دیگر به نام «النهج القویم فی کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام» تألیف کرد و در آن، بعضی از روایات امیرالمؤمنین علیه‌السلام را که در نهج‌البلاغه نیامده، نقل کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۳) علم‌الهدی فرزند فیض کاشانی نیز کتابی با نام «معادن الحکمة فی مکاتیب اهل‌البیت علیهم‌السلام» نوشت. او نیز در کتاب خود برخی از کلمات و توقیعاتی که در نهج‌البلاغه نقل شده، روایت کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۱، ص ۱۷۷)

از دیگر کسانی که در این عرصه گام نهاده، عالم و محدّث ادیب احمد بن ناقه است. وی در میان روایات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطبه‌هایی را انتخاب نموده که در نهج‌البلاغه نیامده است. همین‌طور در ادامه، برخی از وصیّتهای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، برخی از اخبار در فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام و برخی از ادعیه و حرزها را از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده است. در اینجا نظری به شخصیت احمد بن ناقه می‌اندازیم.

ابو العباس احمد بن ناقه المسلی الکوفی

سمعانی در الأنساب، انتساب احمد بن ناقه را به مُسلی چنین شرح می‌دهد: مسلی به ضمّ میم و سکون سین و در آخر لام، به مُسلَیة بن عامر بن عمرو بن عِلَة‌بن جلد بن مالک بن ادد می‌باشد و مالک همان مذحج است. بسیاری از علماء به این قبیله منسوب‌اند. مُسلِیَة در کوفه واقع است که به همین سبب، بنی مسلیه به کوفی منسوب شدند.

و جماعتی به این محله نسبت داده شده‌اند که از این قبیله نبودند؛ از ایشان احمدبن یحیی بن الناقة المسلی است که در این مَحلّه سکنی گزیده بوده است. اسم احمد بن الناقه المسلی در الوافی بالوفیات به اشتباه، ابن الناقة المسیکی آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

(صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)گویا حاجی خلیفه درکشف الظنون از صفدی پیروی نموده و به اشتباه المسیکی آورده است. (حاجی خلیفة، ج ۲، ص ۱۶۷۰) سیوطی نیز در بغیةالوعاة المسیکی آورده است. گویا عمر کحاله نیز در معجم‌المؤلفین از سیوطی تبعیت نموده است.

احمد بن ناقه در سال ۴۷۷ به دنیا آمد. وی در طول حیات علمی خود پس از استفاده از بزرگان علم در کوفه، به بغداد ـ که در آن زمان مرکز علم بوده است ـ مهاجرت کرد و در آنجا از بزرگان بغداد استفاده نمود. سپس به کوفه مراجعت کرد و در سال ۵۵۹ ق درگذشت. همهٔ شرح حال نگاران سال درگذشت وی را همین سال گزارش کرده‌اند (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰؛ حاجی خلیفة، ج ۲، ص ۱۶۷)؛ امّا ذهبی در سیر اعلام النبلاء سال درگذشت وی را ۵۵۷ ق می داند. وی در شرح حال ابن کروس چنین گفته است: «ابن کروس در صفر سال ۵۵۷ ق درگذشت. و در همین سال، ابوالعباس احمد بن ناقهٔ کوفی محدّث از دنیا رفت.» (ذهبی، سیراعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۲۹۲ ـ ۳۹۳) همو در کتاب تاریخ الاسلام روز وفاتش را عید فطر و مکان وفاتش را کوفه می‌نویسد.

جایگاه احمد بن ناقه در میان علماء

ابوالعباس احمد بن ناقه در کتابهای تراجم و رجال، به علم و فضیلت شناخته شده است. ابن‌اثیر جزری پیرامون وی چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه صاحب فضیلت و شاعر بود. وی حدیثهای فراوانی شنید و در همین موضوع کتابی تألیف نمود.» (عزالدین ابن‌الاثیر جزری، ج ۳، ص ۲۱۲) یاقوت حموی نیز در معجم البلدان چنین کلامی را در وصف احمدبن ناقه می‌گوید. (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۲۹)

سمعانی که خود شاگرد احمدبن ناقه بوده در وصف وی چنین می‌گوید: «استاد ما استادی فاضل، شاعر و مأنوس با حدیث بود. وی احادیث فراوانی شنید وکتابی در این زمینه تألیف نمود که آن را الأمثال نامیده.» (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

عمادالدین کاتب صاحب خریدة القصر و جریدة العصر در توصیفات احمدبن ناقه پس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

از نقل شعری از وی به نقل از سمعانی، چنین می‌گوید: «برای او شعری است که از تاریخ سمعانی خواندم... او سرشناس بزرگان، علّامه روزگار، و تیزهوش تیزهوشان است و ما از شنیدن اشعار وی لذّت می‌بریم.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) همو دربارهٔ علم و آگاهی احمدبن ناقه به حدیث چنین می‌گوید: «وی از اصحاب عالی حدیث از اهل کوفه بود.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴)

صفدی در الوافی بالوفیات وی را چنین می ستاید: «احمد بن ناقه راستگو و دارای طریقه‌ای نیکو بود.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

ابوبکر محمّدبن عبدالغنی البغدادی الحنبلی، معروف به ابن نقطه، در کتاب خود به نام تکملة الإکمال پس از ذکر مشایخ احمد بن ناقه، وی را توثیق می‌کند و محدثی ثقه و مورد اطمینانش می خواند «ابن ناقه ثقه و مورد اطمینان بود. حدیث زیادی نوشت و جمع کرد و روایت نمود. گروهی در بغداد و کوفه از وی روایت نقل کرده‌اند.» (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲)

ابو احمد بن محّمد در معجم السفر شنیدن و سماع حدیث وی را چنین می ستاید: «ابن نه سنّ زیادی داشت و در کوفه به سلوک در راه نیکو مشهور بود. وی حدیث را درست می شنید و حفظ می‌کرد.» (ابوطاهر السلفی، ج ۱، ص ۴۴۷)

احمدبن ناقه در شعر و ادبیات

همان‌طور که گذشت، احمد بن ناقه در علم حدیث مقام والایی داشت؛ امّا شخصیّت وی در همین زمینه خلاصه نمی‌شود. بنابر گزارش شرح حال نویسان، وی در شعر و ادبیات عرب نیز چیره دست بود. الضوء اللامع (ابوالخیر سخاوی، ج ۱، ص ۶۶) خریدة القصر و جریدة العصر (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) و الوافی بالوفیات (صفدی، ج ۸ ص ۱۵۰) نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده‌اند.

احمدبن ناقه به نحو عربی عالم بود. وی نحو را در کوفه فراگرفت و در همین زمینه کتابهایی را تصنیف نمود. صفدی در این رابطه چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه دستی در نحو داشت. وی نحو را در کوفه خواند. در همان‌جا حدیث روایت کرد و در زمینهٔ نحو به تصنیف پرداخت.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) جلال‌الدین سیوطی نیز در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

بغیة‌الوعاة وی را از نحویان می‌شمرد وکلام صفدی را نقل می‌کند. (سیوطی، ج ۱، ص ۳۹۵)

احمد بن ناقه در موضوع نحو کتابی با نام المسائل الکوفیّة للمتأدّبة الکرخیّة نوشته که در آن ده مسأله را به طور معمّاگونه مطرح کرد و سپس به شرح آن پرداخت.

مشایخ و استادان احمد بن ناقه

۱. ابو محمّد الحسن بن علی بن عبدالعزیز التککی (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)

۲. ابوالقاسم علی بن الحسین الربعی المعروف بابن عریبة (ابن نقطة، باب عریبة).

۳. علی بن محمّد بن مسورة. (ابن‌نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲)

۴. محمّد بن عبدالباقی بن مجالد البجلی. (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲)

۵. ابوالغنائم محمّد بن علی بن میمون النرسی، معروف بـه ابـی‌النـرسی. وی بزرگ‌ترین استادان احمد بن ناقه بود. احمد بن ناقه ملازم وی بود؛ بـه طـوری‌که استفادهٔ بسیاری از وی کرد. (ابن نقطة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ذهبی، سیراعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴)

۶. ابوالبقاء المعمر بن محمّد بن علی الحبال. (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

۷. هِبَةُ الله بن أحمد الموصلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ ـ ۲۱۷؛ سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

پدرش، یحیی بن احمد بن زید بن ناقه المسیلی. (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

راویان از احمد بن ناقه

۱. ثابت بن مشرف بن ابی سعد البناء ابوسعد بن شستان. (ابن الدبیثی، ص ۱۵۱ ـ ۱۵۲؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۵۲ ـ ۱۵۳)

۲. الحسن بن الدربی. (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۲ ـ ۱۱۳)

۳. ابوالفرج عبدالرحمن بن شجاع بن الحسن بن الفضل الفقیه الحنفی البغدادی. (صفدی، ج ۱۸، ص ۹۰)

۴. عبدالرشید بن محمّد بن عبدالرشید بن ناصر ابو محمّد الصوفی. (ابن الدبیثی، ص ۲۷۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۶۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۵. عبدالسلام بن العالم الفاضل عبدالله احمد بن بکران. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۳۱۹)

۶. عبدالله بن جعفر بن هبة الله بن محمّد بن عبدالله الشریف. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱؛ ابن الدبیثی، ص ۲۱۴)

۷. عبدالمحمود بن احمد بن علی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۴۳)

۸. ابوالقاسم علی بن محمّد بن الحسن بن الطیب الزهری الکوفی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۳۰۹؛ ابن الدبیثی، ص ۳۰۵؛ ابن نقطه، ج ۴، ص ۴۶۸ حرف فاء)

۹. غیداق بن جعفر الدیلمی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۲۵)

۱۰. پسرش، ابومنصور محمّد بن احمد بن یحیی بن ناقه المسلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۱۴۲؛ ابن الدبیثی، ص ۱۱)

۱۱. محمّد بن هبةالله بن الحسین بن جزنا ابومنصور التمیمی الکوفی. (صفدی، ج ۵، ص ۱۰۱)

۱۲. مختص بن عبدالله الحبشی ابوالعز الخادم مولی القاضی ابی جعفر. (ابن‌الدبیثی، ص ۲۵۳؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۴۶۳ ـ ۴۶۴)

۱۳. ابوسعد السمعانی؛ صاحب کتاب الأنساب. (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

۱۴. مسمار بن العویس. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ ـ ۲۱۷)

۱۵. نصرالله بن محمّد بن الحسین الحائری بو نصور الکوفی، معروف به ابن‌مدلل. (ابن الدبیثی، ص ۳۵۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ ـ ۲۱۷)

۱۶. ابوالحسن بن المقیر. و هو آخر من روی عنه بالإجازة. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)

آثار احمد بن ناقه

۱. «کتاب الوصیة». علامه مجلسی طریق حسن بن الدربی برای این کتاب را چنین شرح می دهد: «کتاب الوصیة تصنیف احمد بن یحیی ناقه کوفی است که حسن بن دربی آن را از سیّد ضیاء از مؤلّف روایت می‌کند.» (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۳)

۲. «کتاب الحذف و الاضمار». سیّد ابن طاووس از این کتاب در سعدالسعود مطالبی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ذکر می‌کند و فصلی را به مطالب این کتاب اختصاص می دهد. سعدالسعود از جزء دوم این کتاب مطالبی پیرامون حذف و اضمار و تفسیر «**و کذلك بعثناهم**» (کهف (۱۸) / ۱۹) در داستان اصحاب کهف ذکر می‌نماید. (ابن طاووس، سعد السعود، ص ۲۲۸؛ اتان کلبرگ، ص ۲۸۴)

۳. «المسائل الکوفیة للمتأدبة الکرخیة». این کتاب مشتمل بر ۱۰ مسئله است به نحو معمّاگونه که به شرح آنها نیز می پردازد. (اسماعیل پاشا، ج ۱، ص ۸۶؛ عمر کحالة، ج ۲، ص ۱۹۹)

۴. «الامثال فی الحدیث». ابوسعد السمعانی این کتاب را از تألیفات احمد بن ناقه ذکر می‌نماید.

۵. مستدرک نهج البلاغه. از این کتاب سه نسخهٔ خطی بر جا مانده است که ملحق به نسخه‌های خطی نهج البلاغه است.

مستدرک احمد بن ناقه

مستدرک احمدبن ناقه از جمله کتابهایی است که اهمیّت آن با مراجعه و خواندن آن آشکار می‌گردد، چنان‌که مستدرک بودن این کتاب بر نهج‌البلاغه و دارا بودن روایات که در نهج‌البلاغه نیست، جلوه‌ای دیگر از اهمیت آن می‌باشد.

نخستین روایتی که احمد بن ناقه در این کتاب ذکر می‌کند خطبهٔ الدرة الیتیمة در موضوع توحید می‌باشد. این خطبه که از امام علی علیه‌السلام صادر شده، در هیچ مصدری از مصادر حدیثیِ موجود به نحو کامل ذکر نشده است. علامه طهرانی در الذریعة به این مطلب اشاره می‌کند. همچنین از کلام ابن شهرآشوب چنین برداشت می شود که این خطبه در عصر وی مشهور بوده است، ابن شهرآشوب در کتاب مناقب آل ابی‌طالب علیهم‌السلام چنین می‌گوید: «از خطباء علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است که ایشان فصیح‌ترین و خطیب‌ترین ایشان است. برای نمونه به خطبه‌هایی مانند التوحید، شقشقیّه، هدایه، ملاحم، لؤلؤة، غراء، قاصعة، افتخار، أشباح، الدرة الیتیمة و ... مراجعه کن.» (ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۳۲۵)

همان‌طور که گفته شد، این خطبه در هیچ یک از مصادر حدیثیِ موجود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

نمی‌باشد؛ امّا قسمتهای مختلفی از این خطبه در برخی از کتابها نقل شده است که بدانها اشاره می‌کنیم:

سُلَمِی در تفسیر خود، قسمت کوتاهی از این خطبه را در ذیل آیهٔ ﴿**و لا یحیطون به علماً**﴾ (طه (۲۰) / ۱۱۰) ذکر می‌کند: «**و کیف یدرك شيء مِنْ صفات مَنْ الجهات لا یضمنه... بل هو موجد کلّ موجود و خالق کل موصوف، جلّ و تعالی.**» (سلمی، ج ۱، ص ۳۶)

طبرسی در کتاب الاحتجاج قسمتی از عبارات این خطبه را نقل و به امیرالمؤمنین منسوب می‌کند: «**و قال**علیه‌السلام **في خطبة أخری: دلیله آیاته، و وجوده إثباته، و معرفته توحیده... کلّ ما تصوّر فهو بخلافه.**» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۵۳)

حسن بن علی سقاف در کتاب خود به نام شرح العقیدة الطحاویة قسمت دیگری از این کلمات را نقل می‌نماید و آن را به بعضی از علماء نسبت می دهد: «**ألزم الله الخلق الحدث... هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، القریب البعید، «الذی لیس کمثله شيء و هو السمیع البصیر» انتهی.** (السقاف، ص ۲۵۹ ـ ۲۶۰)

تحف العقول برخی از کلمات این خطبه را با اختلافاتی ذکر می‌نماید: «**خطبته**علیه‌السلام **في إخلاص التوحید: إنّ أوّل عبادة الله معرفته... و لا في المسألة عنها جواب.**» (حرانی، ص ۶۱ ـ ۶۷)

شیخ مفید در الارشاد همین قسمت از کلام امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام را نقل می‌کند: «**أوّل عبادة الله معرفته ... و بمقارنته بین الأمور المقترنة علم أن لا قرین له.**» (مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۳)

روضة الواعظین نیز عبارت پایانی این خطبه را نقل می‌کند: «**و قال أمیرالمومنین**علیه‌السلام **: بصنع الله یستدلّ علیه...**» (فتال نیسابوری، ص ۲۰)

شیخ صدوق روایتی از امام رضاعلیه‌السلام در موضوع توحید نقل می‌کند که نزد مأمون عبّاسی ایراد شده است. متن این خطبه بسیار نزدیک و شبیه به قسمت پایانی خطبهٔ الدرة الیتیمة می‌باشد. امام رضاعلیه‌السلام چنین فرموده است: «**أوّل عبادة الله معرفته ... و لا في المسألة عنه جواب.**» (صدوق، التوحید، ص ۳۴ ـ ۴۱؛ همو، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ ـ ۱۳۸؛ همو، امالی، ص ۲۲ ـ ۲۴؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۴ – ۱۷۸؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۲۷ ـ ۲۳۰؛ جزائری، ج ۱، ص ۱۹۵ ـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۲۰۰) این مقدار از خطبه با اختلاف اندکی در الدرة الیتیمة دیده می‌شود؛ امّا در انتهای روایت امام رضاعلیه‌السلام قسمتی علاوه‌بر آنچه در الدرة الیتیمة است وجود دارد: «**و لا في معناه تعظيم... و خسروا خسراناً مبيناً و صلّى الله على محمّد و آله الطاهرين.**» در اینجا احتمال می‌رود امام رضاعلیه‌السلام گفتار جدّ بزرگوارشان امام علی‌علیه‌السلام را نقل کرده، سپس این قسمت مذکور را که در الدرة الیتیمة نیست، اضافه نموده است و یا اینکه این قسمت اضافه نیز از کلام امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در خطبهٔ الدرة الیتیمة است که در نقل راویان افتاده است.

از خطبه‌های دیگری که احمدبن ناقه در این کتاب ذکر می‌کند، خطبهٔ اقالیم می‌باشد. ابن شهرآشوب این خطبه را چنین توصیف می‌کند: «امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در خطبهٔ اقالیم ویژگیهای هر اقلیمی را ذکر می‌کند، سپس به شرح وقایع بعد از هر ده سال می‌پردازد؛ از درگذشت پیغمبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله تا سیصد و ده سال پس از آن و به فتح قسطنطنیة، صقالبه، اندلس، حبشه، نوبه، ترک، کرک، مل، حیسل، تاریس، صین و به دورترین شهرهای دنیا اشاره می‌کند.» خطبهٔ اقالیم نیز نه در نهج‌البلاغه و نه در مستدرکات نهج‌البلاغه ذکر نشده است. علامه آقابزرگ طهرانی دربارهٔ این خطبه چنین می‌گوید: «خطبهٔ اقالیم خطبه‌ای است بزرگ در ملاحم از امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام. این خطبه را سیّد رضی در نهج‌البلاغه نیاورده، چنان‌که در هیچ یک از مستدرکهای تألیف شده در این عصر وجود ندارد.» (آقابزرگ، ج ۷، ص ۱۹۸ ـ ۱۹۹)

یادآوری می‌شود که با قرائنی که در این خطبه وجود دارد، به اتحاد خطبهٔ اقالیم و خطبهٔ بیانی که امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در کوفه ایراد فرموده است، پی می‌بریم؛ چرا که اصبغ بن نباته در ابتدای روایت چنین می‌گوید: «کسی را حافظ‌تر از خود برای خطبهٔ وداع که نامش خطبهٔ اقالیم و بیان در کوفه است، نمی‌دانم.» (ابتدای خطبهٔ اقالیم)

در وجه نامگذاری این خطبه به خطبهٔ اقالیم و خطبهٔ بیان، می‌توان چنین گفت که این خطبه به اعتبار ذکر فتنه‌های اقلیمهای مختلف و اسماء اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام در اقالیم مختلف، به خطبهٔ اقالیم نامیده شده و به اعتبار بیان ملاحم و فتن و علائم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

ظهور به خطبهٔ بیان نامیده شده است.

خطبهٔ دیگری که در مستدرک احمد بن ناقه وجود دارد و در نهج‌البلاغه و مستدرکات دیگر نهج‌البلاغه یافت نمی‌شود، خطبهٔ بیان است که امام علی علیه‌السلام آن را در بصره ایراد فرمودند. مؤلف الزام الناصب در کتاب خود خطبهٔ بیان در بصره را از امیرالمؤمنین علیه‌السلام از دو نسخه نقل می‌کند (حائری، ج ۲، ص ۱۷۸ ـ ۲۳۲) که اختلافات آن با آنچه در مستدرک احمد بن ناقه است، بسیار زیاد می‌باشد.

وجه نامگذاری این خطبه به بیان نیز آن است‌که بنابر گفتهٔ مالک‌اشتر این خطبه را خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خطبة البیان نامگذاری نمودند: «امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطبهٔ بلیغی ایراد فرمود که آن را خطبة البیان نامید.» (ابتدای خطبهٔ بیان)

از فائده‌های دیگر این کتاب آن است که برای خطبهٔ مونقه که خالی از الف است، سندی ذکر شده است که در مصادر حدیثی دیگر وجود ندارد.

نسخه‌های مستدرک احمدبن ناقه

قبل از هر چیز باید به این مطلب اشاره کرد که مستدرک احمد بن ناقه به پایان سه نسخهٔ خطی که از نهج‌البلاغه به‌جا مانده، ملحق شده است. ویژگیهای این سه نسخه عبارت است از:

۱. نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی که به شمارهٔ ۱۸۶۰ نگهداری می‌شود. این نسخه به خطّ نسخ در ۱۶۱ ورقه که در هر صفحه ۲۳ سطر می‌باشد، به کتابت در آمده است. مستدرک احمد بن ناقه ملحق به این نسخه از نهج البلاغه است و از ورقهٔ ۱۳۵ شروع و تا ۱۶۱ به اتمام می‌رسد.

کاتب نسخه و مستدرک، محمّد بن محمّد بن حسن الطویل الصفار الحلّیّ است که نسخه را در شهر واسط نوشته است. بر اساس گزارش کاتب، کتابت نهج‌البلاغه را در روز پنجشنبه ۱۲ جمادی الآخرة سال ۷۲۹ ق به اتمام رسانده و کتابت جزء (کتاب احمد بن ناقه) را در روز چهارشنبه ۱۸ جمادی الآخرة همان سال به اتمام رسانیده است. نسخهٔ مذکور نسخه‌ای است اعراب‌گذاری شده و متن آن کامل می‌باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین علی الله

الخطبة المعروفة بالدرة اليتيمة

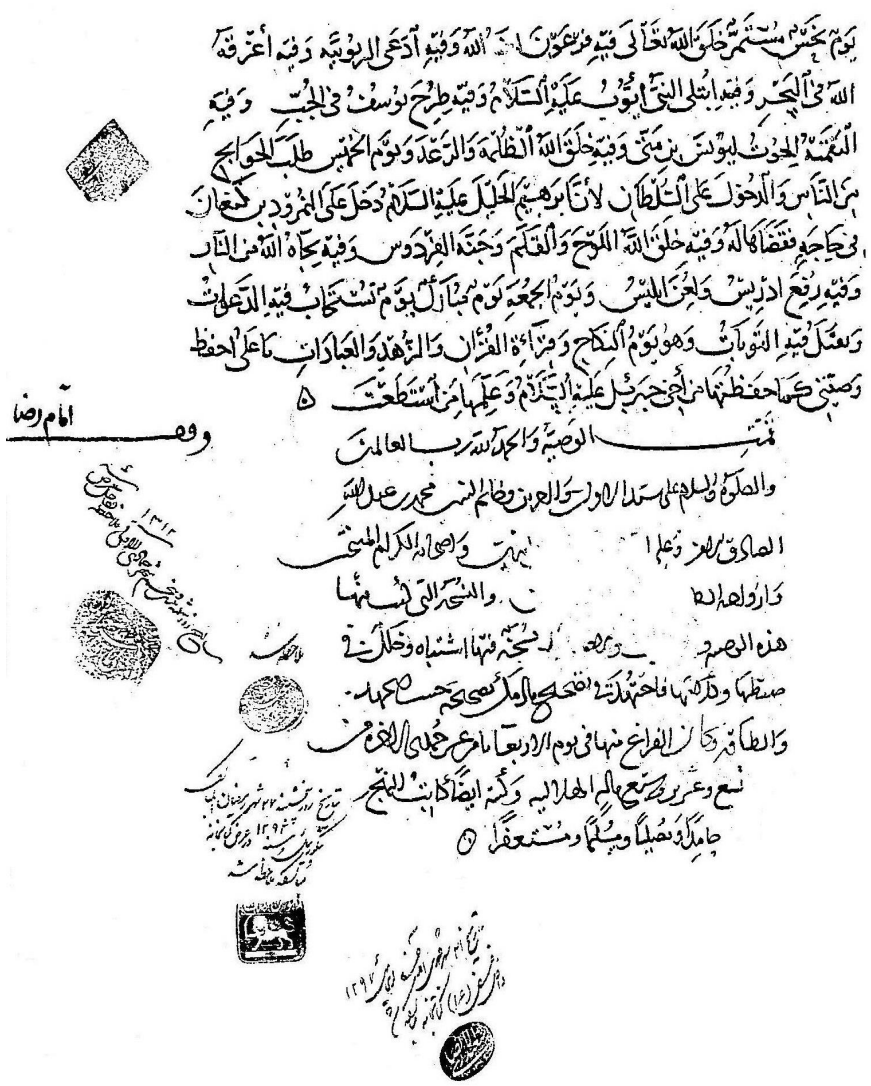
من كلام الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب

صلوات الله عليه

الحمد لله حمدا معترفا بحقه بالغا بلسان الثناء شاكرا او بحسن الابداء ذاكرا الذي خلق الموت والحياة والخير والشر والنفع والضر والسكون والحركة والارواح والاجسام والذكر والنسيان والرزم دلائل كل حادث اذ القديم له لان الذي بالحياء موامه فالموت يعدمه والذي بالجسم طهوره فالعرض يلزمه والذي بالاداة اجتماعه فقواها تمسكه والذي يجمعه وقت يفرقه وقت والذي سبق العدم وجوده فالحادث اسمه جل جلاله والذي يقيمه غيره فالضرورة تلتبسه والذي يقيم بالاعضاء يكلفه نسجه والذي يشتبه بالوصف لجل صفته والذي له العرض تارة الطول ملازمه والذي يتجلى فمن الحلية نصيبه والذي اتسعته خلقه فالمحن يصحبه والذي المثال يعتوره فالعقل يبصره والذي الوهم يظفر به فالتصوير ربقته والذي يسكن جوا يبعث عنه جوه والذي يرتفق بشئ فيه اليه فاقة والذي له جسم وزن والذي يسكن يتحرك والذي يتحرك يسكن والذي يذكر بذكر قلة اللسان والذي بالحروف يقول فمضطر والذي بالفكر يبدا فمشغول والذي بالمشاورة يحدث فناقص فتبارك الله عن كل ما ذكرناه خلقه ولا بعد واخلقه فسبحان من الجهات لا تضمنه والاثبات لا يأطره والاقات لا تداوله ومصنوعاته لا تحاوله والاشارات لا تربه والادلة لا تؤديه والرجعة لا تحكيه لم يلبث بحال ولا ازداد ذاتا ولا الذات دبرته ولا الملائكة ملكته ولا الصفات احدثته بل هو موجد كل موجود وخالق كل صنع وموصوف وكل معروف من استطام على صفو خطر بحال محسوس على بال ومن اداه محل ادرك ابن ومن ضمه جوهر اداه حيز ومن حامه امم ازله القول ومن كان له حيز طالبه الكيف ومن زال عنه زواله التغير كل قائم في شئ موبعضه وكل متبعض خلقه وكل خلق عرضه وكل خلق عرضه فعله من غير ما شئ واتمه من غير ملاقاة وهداياته من غير اناية وكلامه من غير اعتقاب وجهه حيث توجهت وقصد حيث

«صفحهٔ اوّل از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]



«صفحهٔ آخر از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۲. نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس (سنا) در تهران. این نسخه که به شمارهٔ ۷۲۳۳ نگهداری می‌شود به خط نسخ در ۳۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک به این نسخه از نهج‌البلاغه ملحق است و از ورقهٔ ۲۷۹ شروع و تا ورقهٔ ۳۴۴ پایان می‌یابد. کاتب نسخه محمّدباقر بن ابی‌الفتوح الحسینی الموسوی الشهرستانی است که نهج البلاغه را در روز پنجشنبه شعبان ۱۰۸۶ ق به کتابت در آورده است. امّا خطّ نهج البلاغه و خطّ مستدرکِ ملحق یکی است که در نتیجه، کاتب مستدرک همان کاتب نهج البلاغه می‌باشد. امّا به تاریخ اتمام کتابت مستدرک تصریحی نکرده است. این نسخه اعراب‌گذاری شده و متن آن نیز کامل است. تصویر صفحات آغاز و پایان این نسخه را در صفحهٔ بعد ملاحظه کنید.

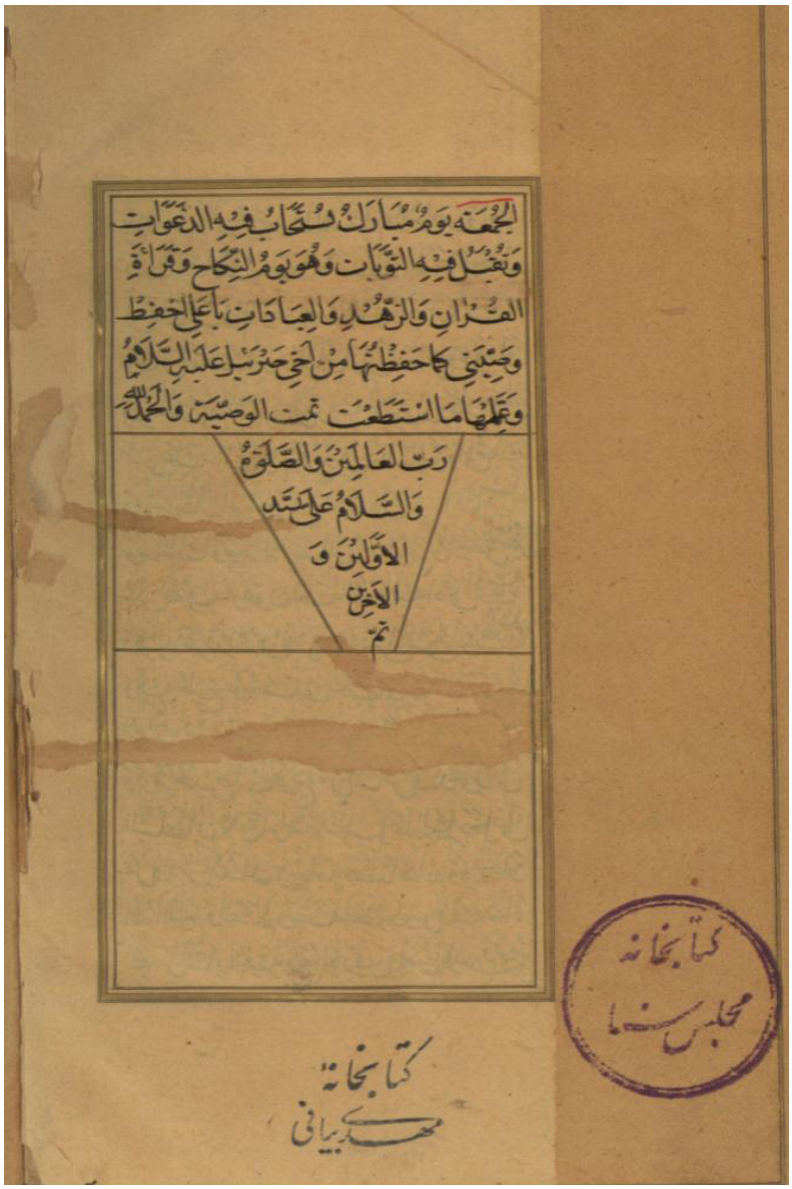
۳. نسخهٔ کتابخانهٔ آیت‌الله بروجردی که به شمارهٔ ۱۵۷ نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نسخ و در ۲۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک از ورقهٔ ۲۳۸ الی ۲۴۳ موجود است و باقی نسخه ناقص است. کاتب نسخه ذکر نشده؛ امّا نهج البلاغه را از خط الشیخ الحسن بن یحیی بن کرم در ماه رمضان سال ۶۴۷ ق نوشته است. این نسخه قدیمی‌ترین نسخه‌های سه‌گانه، امّا ناقص است؛ چراکه کلّ نسخه از پایین ناقص و مرطوب است و متن نهج البلاغه ترمیم و تصحیح شده؛ ولیکن مستدرک ابن ناقه به حال خود ناقص و مخروم مانده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]



«صفحهٔ اوّل از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]



«صفحهٔ آخر از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]



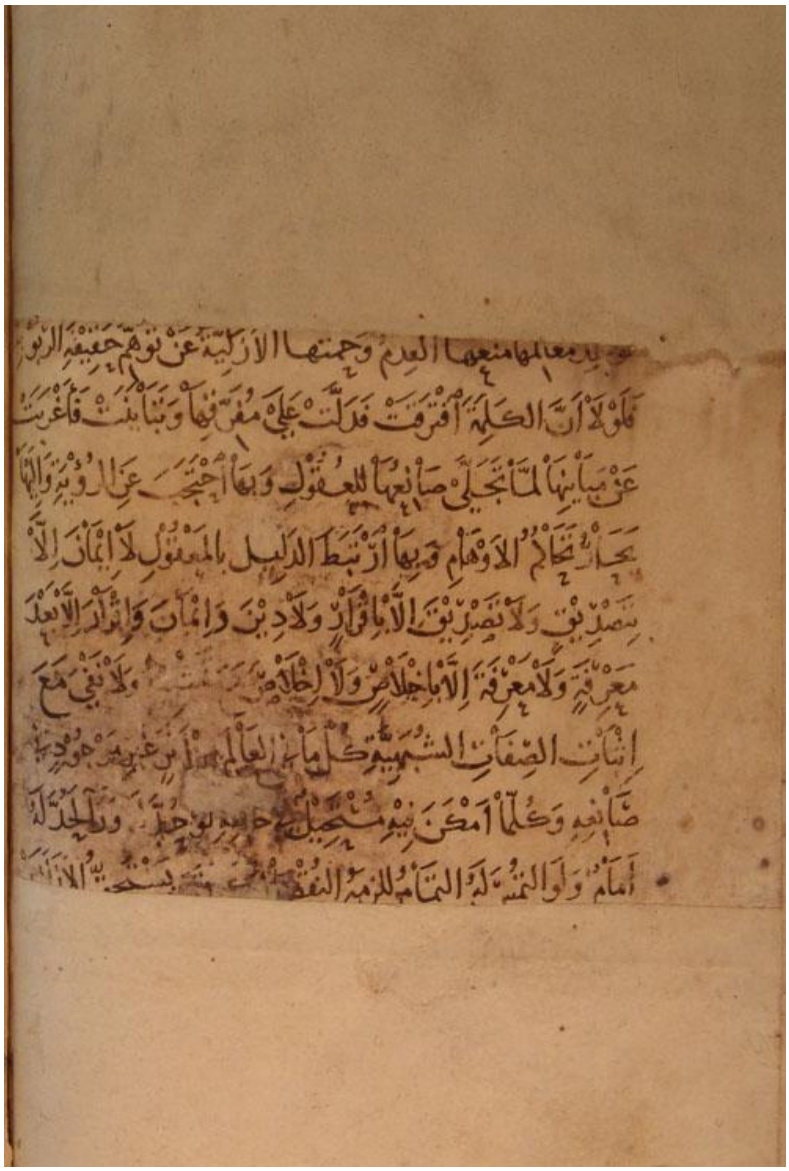
بسم الله الرحمن الرحيم

خطبة من كلام امير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه وهي المعروفة بالدرة اليتيمة

الحمد لله حمد معترف بحمده من غير حد مجد بلسان الثناء شاكرا وحسن الآية ناطرا الذي خلق الموت والحياة والشر والنفع والضر والسكون والحركة والاجسام والذكر والنسيان وألزم ذلك كله حال الحدث اذ القديم لا لأن الذي بالحياة قوامه فالموت يعدمه والذي بالجسم ظهوره فالعرض يلزمه والذي بالابداء اجتماعه فقولها تمسكه والذي بجمعه وقت يفرقه وقت والذي سبق العدم وجوده فالخالق اسمه جل جلاله والذي يقيمه غيره فالضرورة تمسه والذي ينقسم بالاعضاء يكنفه سخفه والذي يتشبث به الوصف فحد صفته والذي له العرض في الطول مساحته والذي يتجلى فمن الحلية يصيبه والذي الصنعة يجلبه

«صفحهٔ اوّل از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]



«صفحهٔ پایانی از نسخهٔ مذکور»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. ابن اثیر جزری. اللباب فی تهذیب الأنساب. بیروت: دار صادر.

۲. ابن الندیم. الفهرست. تحقیق: رضا تجدد.

۳. ابن دبیثی. المختصر من تاریخ ابن الدبیثی. اختصره محمّدبن أحمدبن عثمان الذهبی. تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

۴. ابن حاتم عاملی. الدر النظیم. قم: مؤسّسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.

۵. ابن طاووس حلّی. سعد السعود. قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ ق.

۶. ابن نقطه، ابوبکر محمّدبن عبدالغنی البغدادی الحنبلی. تکملة الاکمال. تحقیق: دکتر عبدالقیّوم عبدالربّ النبی، مکّه: مرکز احیاءالتراث الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.

۷. ابوالبرکات محمّد بن أحمد الدمشقی الباعونی الشافعی. جواهر المطالب. تحقیق: شیخ محمّد باقر محمودی، قم: مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیّة، ۱۴۱۵ ق.

۸. ابوالعباس أحمد بن علی بن العباس نجاشی. فهرست أسماء مصنفی الشیعة (رجال نجاشیّ). تحقیق: سیّد موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامیّ التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۶ ق.

۹. ابوسعد عبدالکریم بن محمّد بن منصور تمیمی سمعانی. الانساب. تقدیم و تعلیق: عبدالله عمرالبارودی، بیروت: دارالجنان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۸ ق.

۱۰. ابوطاهر احمد بن محمّد السلفی. معجم السفر. تحقیق: عبدالله عمر البارودی. مکّة المکرّمة: المکتبة التجاریة.

۱۱. آقابزرگ طهرانی. الذریعة. بیروت: دارالاضواء، بیروت: ۱۴۰۳ ق.

۱۲. امین، سیّد محسن. اعیان الشیعة. تحقیق و تخریج: حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۱۳. بغدادی، اسماعیل پاشا. هدیة العارفین، أسماء المؤلّفین و آثار المصنّفین. إستانبول: ۱۹۵۱ م. افست بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۴. حاجی خلیفه. کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون. مقدّمة: آیة الله العظمی السیّد شهاب الدین النجفی المرعشی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۵. جزائری، سیّد نعمت الله. نور البراهین اواتیس الوحید فی شرح التوحید. تحقیق: سیّد مهدی رجائی مؤسسة

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۶. ذهبی، محمّدبن احمدبن عثمان. تاریخ الاسلام. تحقیق: دکتر عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. ـــــ سیر اعلام النبلاء. تحقیق: حسین الاسد، اشراف بر تحقیق و تخریج احادیث: شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

۱۸. سخاوی، ابوالخیر محمّدبن عبدالحمن. الضوء اللامع. ۹۰۲ ق.

۱۹. سُلَمِی. تفسیر السلمی. تحقیق: سیّد عمران. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.

۲۰. صفدی. الوافی بالوفیات. تحقیق: احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمّدبن الحسن. الفهرست. تحقیق: الشیخ جواد القیومی، موسّسة نشر الفقاهة فی ایران، شعبان المعظم ۱۴۱۷ ق.

۲۲. علامه حلی. خلاصةالاقوال فی معرفة الرجال. تحقیق: الشیخ جوادالقیومی، مؤسسة نشر الفقاهة فی ایران، عیدالغدیر، ۱۴۱۷ ق.

۲۳. عمادالدین کاتب، محمّدبن محمّد. خریدةالقصر وجریدةالعصر. تحقیق: عمرالدسوقی و علی عبدالعظیم. المجمع العلمی العراقی.

۲۴. کحّالة، عمر رضا. معجم المؤلّفین. بیروت: مکتبة المثنّی و دار إحیاء التراث العربی.

۲۵. کلبرگ، إتان. کتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او (فارسی). ترجمه: سیّد علی قرائی و رسول جعفریان، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۷۱ ش.

۲۶. مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام. بیروت: مؤسسةالوفاء، ۱۴۰۳ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]